

جایگاه شورای حل اختلاف در نظام کیفری ایران

داود جوهری طهرانی

وکیل دادگستری و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

حل اختلاف به لحاظ واژگان، گستره‌ای ژرف دارد و مفهوم آن ناظر به اقدامی پس از وقوع یک اختلاف، تضاد، مغایرت یا چالش است. حل اختلاف و رفع تعارض، عمده‌تاً در ادبیات سیاسی، روابط بین‌المللی و حقوق بین‌الملل به کار می‌رود. بررسی مسیر تحولات کیفری بیانگر آن است که حق اجرای مجازات و دادرسی اولاً و بالذات قربانی مستقیم جرم و یا خانواده و قبیله او تعلق داشته که این روند حدوداً تا قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی ادامه پیدا کرده، اما با پیدایش دولت ها و خصوصاً با ایجاد دولت های مقتدر رفته رفته این حق از قربانیان مستقیم جرائم سلب و به دولت ها واگذار شده است و دولت ها نیز با ایجاد دستگاه قضایی رسمی وظیفه مبارزه با جرم را برعهده گرفته و حق تعقیب و اجرای مجازات را از صاحبان اصلی آن یعنی قربانیان مستقیم جرم سلب کرده اند و در واقع دستگاه قضایی تنها مرجعی تلقی می شد که حق رسیدگی به جرائم را داشت اما به تازگی و به علت ناتوانی دولت ها و نظام عدالت رسمی در این زمینه و تحت تاثیر آورده های جرم شناختی دولت ها در صدد مشارکت جامعه مدنی در پاسخ دهی به بزهکاری می باشند و به نوعی راه حل های موضوع را در تجربیات گذشته جستجو می کنند لیکن با این تفاوت که تشکیلاتی که به منظور اجرای عدالت کیفری به مردم واگذار می شود برخلاف گذشته که جنبه خود جوش داشته اکنون حالت سازمان یافته گرفته وزیر نظر نهادهای رسمی اداره می شود.

واژگان کلیدی: شورای حل اختلاف، نظام کیفری، میانجی گری، داور، سازش